

# دکتر گری میدورز، اول قرن‌تیان، سخنرانی ۳۳، اول قرن‌تیان ۱۶، پاسخ پولس به سوال جمع‌آوری برای مقدسین اورشلیم و سخنان پایانی

گری میدورز و تد هیلبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این سخنرانی ۳۳، اول قرن‌تیان ۱۶، پاسخ پولس به سوال جمع‌آوری اعانه برای مقدسین اورشلیم و سخنان پایانی است.

خب، به آخرین بخش از مجموعه سخنرانی‌های ما در مورد کتاب اول قرن‌تیان خوش آمدید.

اگر شما جزو آن دسته از افراد نادری هستید که در تمام این سخنرانی‌ها پشتکار به خرج داده‌اید، امروز به فصل ۱۶ خواهیم پرداخت. به شما تبریک می‌گویم. از اینکه با گوش دادن به این سخنرانی‌ها به من افتخار دادید، متشکرم.

امیدوارم که آنها تحقیقات شما را تحریک کنند. در مورد کتاب اول قرن‌تیان مطالب بسیار بیشتری وجود دارد که باید جستجو کنید و با خواندن متون خوب، آنها را تأیید کنید. خواندن متون خوب، راز رشد شما و توانایی شما در اعتماد به نفس در مورد درک هر بخش از کتاب مقدس است.

خب، امروز سخنرانی ۳۳ است، و دفترچه یادداشت شماره ۱۷ است که از صفحه ۲۴۱ شروع می‌شود، صفحه ۲۴۱، دفترچه یادداشت ۱۷، و ما به پایان کتاب، فصل ۱۶، نگاه می‌کنیم. این یک نامه است همانطور که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم.

این یک بخش طولانی است، و اگر به خاطر داشته باشید، نامه‌ها دارای یک بخش آغازین، یک بخش اصلی و یک بخش پایانی هستند. و اکنون به پایان نامه نزدیک می‌شویم، اما هنوز به بخش پایانی نرسیده‌ایم. بخش پایانی، نیمه آخر فصل ۱۶ است، زیرا پولس هنوز قصد دارد به موضوعی پردازد که بخشی از سوالات یا مورد علاقه قرن‌تیان یا شاید ارتقای پولس است، اما او از عبارت «پیش از مرگ» استفاده می‌کند، که اکنون مربوط به فصل ۱۶.۱ است و این عبارت را به جریان فصل ۷.۱ و فصل‌های بعدی متصل می‌کند.

بیان می‌کند. این مربوط به هدیه‌ای است که برای NIV 2011 حالا، در مورد مجموعه، چیزی است که پولس یک پروژه بسیار بزرگ بود.

این مربوط به مقدسین اورشلیم بود. در شهر مشکلاتی از نظر اقتصادی و قحطی وجود داشت که دسترسی به منابع را برایشان دشوار می‌کرد، و پولس جمع‌آوری پول برای بردن به اورشلیم و کمک به این امر را ماموریت خود قرار داده بود. و من مطمئنم که بسیاری از این موارد به شور و اشتیاق خود پولس مربوط می‌شود.

او یک یهودی بود، او یک یهودی یهودیان بود، همانطور که در شهادت نامه‌هایش می‌گوید، و عاشق شهر اورشلیم بود، و عاشق سنت‌هایش بود، و فکر می‌کنم می‌خواست نه تنها به قوم یهود، بلکه به کلیسای یهود، در اورشلیم نشان دهد که این مأموریت بزرگتر غیریهودی آنها را فراموش نکرده است. آنها هنوز هم آنها را به اصطلاح، مادر خود می‌دانستند، که به آنها فرصت داده است تا عیسی را از منظر عهد عتیق ببینند. اکنون، مجموعه‌ای که پولس از این کلیساهای غیریهودی برای مسیحیان یهودی و فقرای اورشلیم درخواست می‌کرد، در صفحه 241a می‌کرد، در 1

من متون دیگری را در اینجا به شما ارائه داده‌ام که به این مجموعه اشاره دارند و می‌توانید با جستجوی آن قسمت‌ها این موضوع را مشاهده کنید. بازگشت به شاخص ساختاری، که اکنون مربوط به نگرانی است نشان می‌دهد که پولس هنوز به برخی از نگرانی‌های قرن‌تین می‌پردازد، یا سوالی که آنها می‌پرسند یا شاید نگرانی‌هایی که او می‌دانست آنها دارند. این بخشش مربوط به اشتیاق پولس برای مقدسین اورشلیم است.

آنها از سختی‌ها رنج می‌بردند، و این تلاش کلیساهای آسیایی، به ویژه آنهایی که پولس به آنها اشاره می‌کند کمک به آنها، حسن نیت زیادی را به کلیسای مادر بازمی‌گرداند. اصطلاح یونانی مورد استفاده برای جمع‌آوری، در یونان سکولار برای جمع‌آوری پول برای اهداف مقدس رایج بود. گارلند خاطرنشان می‌کند که این تنها زمانی است که پولس از این اصطلاح خاص در اشاره به پروژه جمع‌آوری اورشلیم استفاده می‌کند.

گارلند فکر می‌کند که این ممکن است نشان دهد که قرن‌تین به دلایلی از این اصطلاح استفاده کرده‌اند و پولس آن را دریافته است زیرا در سایر اشارات به پروژه اورشلیم از آن استفاده نکرده است. می‌توانید نمودار جالب گارلند را که تصویر پولس از پروژه اورشلیم را به تصویر می‌کشد، در صفحه ۷۶۳ ببینید. من تصمیم گرفتم آن را در یادداشت‌ها تکرار نکنم. این تفسیری است که باید داشته باشید و می‌توانید نمودار را در آن مکان مشاهده کنید.

این خدمت کلیسای غیریهودی به اورشلیم احتمالاً برای پولس و، امیدواریم، برای دیگر مسیحیان آن دوران چندین نکته را در بر داشت. اول از همه، این اذعان به دین معنوی کلیسای غیریهودی به ریشه‌های یهودی خود بود، و این یک مفهوم بسیار مهم است. این کلیسا بدون هیچ ارتباط تاریخی متولد نشده است.

کلیسا این مأموریت یهودی مسیح را در تاریخ خود ادغام کرد، زیرا اسرائیل که یک محیط مدنی بود، رو به زوال رفت و در واقع ناپدید شد. کلیسا به بسته‌ای تبدیل می‌شود که خدا برای انتقال حقیقت خود به جهان از آن استفاده می‌کند. از زمان ابراهیم تا سال ۷۰ میلادی، اساساً خدا از اسرائیل به عنوان بسته‌ای استفاده می‌کرد که از طریق آن پیام خود را به جهان ارسال می‌کرد و کلیسا این چالش را در رابطه با آن پیام، همانطور که در مسیح تحقق یافته و از نظر اهمیت تاریخی از طریق کلیسا تکمیل شده است، بر عهده می‌گیرد.

و بنابراین، این پیشکش، اذعانی است به اینکه کلیسا مدیون یهودیان و به ویژه عهد عتیق است. هرگز عهد عتیق و عهد جدید را از هم جدا نکنید. سعی نکنید بین این دو جدایی بیندازید.

مطالب زیادی در عهد عتیق وجود دارد، نه فقط تاریخ اسرائیل، نه فقط تاریخ کار رستگاری خدا، بلکه آموزه‌های اخلاقی زیادی در عهد عتیق وجود دارد که ما هنوز به آنها نیاز داریم. مسائل بسیار بسیار زیادی وجود دارد که در عهد جدید به آنها پرداخته نشده است، اما عهد عتیق به آنها می‌پردازد - بسیاری از مسائل اخلاقی.

مسائل جنسی زیادی وجود دارد و ما به این اطلاعات نیاز داریم تا آنها را در بافت اخلاقی خود به کار ببریم. بنابراین، سنت‌های تدبیری، حداقل سنت‌های اولیه، راهی برای تقسیم عهدین داشتند. اما حتی کتاب مقدس مطالعه‌ای رایجی، که آخرین کتاب مقدس مطالعه‌ای از آن گروه تدبیری است، این موضوع را تا حد زیادی بهبود بخشید.

در واقع، اگر نسخه‌های اصلی کتاب مقدس شیفر و اسکافیلد، رایجی را می‌دیدند، احتمالاً او را اخراج می‌کردند، اما زمانی که او آن را منتشر کرد، آنها مدت‌ها پیش رفته بودند. آنها فکر می‌کردند که موعظه بالای کوه یک اثر حقوقی است، اما اینطور نبود. این یک اثر اخلاقی خوب است.

بنابراین، ما باید در نحوه ترسیم خطوط تمایز بین قدیم و جدید بسیار بسیار مراقب باشیم. پیوستگی بیشتر از گسستگی است، و با این حال یک حس واقعی گسستگی وجود دارد. چیزهای زیادی وجود دارد که ما در مورد آنها صحبت نخواهیم کرد، مانند اسرائیل، به عنوان یک نهاد مدنی.

یک ملت بود. دولت داشت. این را در پایان، وقتی به سوال مربوط به پیشکش رسیدیم، ذکر خواهم کرد.

بنابراین، این قربانی به شور و اشتیاق پولس برای مقدسین اورشلیم مربوط می‌شود. این ادعایی است به دین کلیسای غیریهودیان به آنها. ثانیاً، این نشانه‌ای است از ایمان واقعی کلیسای غیریهودیان.

آنها ایمان دارند زیرا ابراهیم ایمان داشت، و این ایمان از طریق اسرائیل منتقل شد و توسط پولس، که یهودی از یهودیان بود، در عهد جدید به او منتقل شد و او را مسیحی کرد، اگر مایلید، مسیح‌شناسی کرد، و سپس بر اساس برنامه رستگاری به نسل‌های بعدی منتقل شد. عیسی طبق کتب مقدس، به ویژه عهد عتیق، مُرد. سوم، اگر مایلید، نوعی شاخه نخل وجود دارد، با توجه به تنش‌های گاه به گاه بین اورشلیم و بخش بزرگتری از جهان یونانی-رومی.

همانطور که یهودیان در خارج از کشور پراکنده شدند، مسیحیان نیز طبق کتاب اعمال رسولان در خارج از کشور پراکنده شدند، و وقتی این اتفاق افتاد، آنها کجا رفتند؟ آنها به جایی رفتند که به عنوان دیاسپورا شناخته می‌شود. کتاب یعقوب در آیات اولیه خود از این اصطلاح استفاده می‌کند. دیاسپورا یهودیانی هستند که در خارج از کشور پراکنده شده‌اند، و همانطور که آنها در دنیای باستان، از اقیانوس اطلس تا آسیای غربی، پراکنده بودند، همه اینها توسط گروه‌های کوچکی از جوامع یهودی پوشانده شده بود، و طبق سنت، وقتی آنها 10 خانواده یهودی داشتند، یک کنیسه راه می‌انداختند.

کنیسه یک مرکز اجتماعی است. معبد نیست. هرگز کنیسه را به عنوان یک معبد در نظر نگیرید.

این یک معبد نیست. کنیسه یک مرکز اجتماعی بود که یهودیان در آن جمع می‌شدند تا به کتاب مقدس گوش دهند و درباره خدا بحث کنند و جامعه خود را به طور منظم دور هم جمع کنند، و بنابراین وقتی مسیحیان به آن دنیای بزرگتر رفتند، و وقتی کتاب اعمال رسولان را می‌خوانید، می‌توانید این را به وضوح ببینید. آنها اول از همه به کنیسه رفتند و به یهودیان اعلام کردند.

سپس آنها به سراغ یونانیان می‌رفتند، معمولاً در آگورا، که بازار بود، و بنابراین شما تمام این فرصت‌ها را در سراسر آن دنیای پرجمعیت دارید که مسیحیان به راحتی به آن دسترسی داشتند. زمان‌بندی خدا در رابطه با مأموریت مسیحی برتر است. نبردها برای قدرت بر سر اینکه چه کسی قرار است تمام میراث اسکندر کبیر را اداره کند، حل و فصل شده است.

روم پیروز شده است. آنها این کار را حدود دهه هفتم قبل از میلاد مسیح انجام دادند. آنها حکومت خود را تأسیس کرده‌اند.

یونانیان جنگجویان بزرگی بودند. آنها سرزمین‌هایی را فتح کردند، اما در سازماندهی و حفظ آن خوب نبودند. روم یک ماشین سازمانی، قانون رومی، فرآیندها و رویه‌های رومی بود و آنها دنیایی را که اسکندر برایشان فراهم کرده بود، گرفتند و به راحتی وارد آن شدند و کنترل آن را به دست گرفتند.

البته آنها خودشان ارتش بزرگی داشتند، اما در عین حال، آنچه را که اسکندر کبیر به انجام رسانده بود و وارثان خودش را به ارث بردند. در سراسر آن جهان شناخته شده، یهودیان وجود داشتند که به مسیحیان دسترسی فوری به کار تبلیغی آنها در زمینه اطلاع رسانی به یهودیان مبنی بر اینکه عیسی مسیح است، می‌داد.

او کسی است که قرار است پادشاهی را به پدر تحویل دهد، و بنابراین در نتیجه، یک دین سپاسگزاری بزرگ وجود دارد، و یک ادغام بزرگ وجود دارد، نه فقط ادغام، ادغام زیادی وجود دارد، اما ارتباط بزرگی بین یهودیان و مسیحیان وجود دارد، و این هرگز، هرگز نباید فراموش شود.

حتی تا به امروز، مطالعه آثار محققان یهودی کتاب مقدس برای محققان مسیحی بسیار مفید است و من در سمینارهایی شرکت می‌کنم که یهودیان و مسیحیان در مورد مطالعه کتاب مقدس با هم تبادل نظر می‌کنند. البته، قرن اول، به ویژه انجیل‌ها، از نظر ژانر ادبی هنوز عهد عتیق بودند. به همین دلیل است که بسیاری از مردم پس از خواندن انجیل‌های پولس، در خواندن آنها مشکل دارند، زیرا انجیل‌ها هنوز هم با محوریت ادبی عهد عتیق نوشته شده‌اند و در نتیجه، برای پرداختن به انجیل‌ها باید درک درستی از هرمنوتیک یهودی داشته باشید.

در نتیجه‌ی انجام ندادن این کار، آسیب‌ها و سوءاستفاده‌های زیادی به انجیل‌ها وارد شده است. حال، به آیات ۱۶:۲-۴ توجه کنید. حال، به آیات ۱:۱۶ در مورد جمع‌آوری زکات برای کلیساها توجه کنید، و در اینجا دستورالعمل‌های پولس در آیات دو تا چهار آمده است. در روز اول هر هفته، هر هفته، هر یک از شما باید مبلغی پول متناسب با درآمد خود کنار بگذارید.

است، آن را ذخیره کنید تا وقتی من بیایم، نیازی به جمع‌آوری کمک نباشد. این یک نکته ظریف و NIV این، جالب است، اینطور نیست؟ آن را از قبل تهیه کنید. سپس، وقتی رسیدم، به مردانی که شما تأیید می‌کنید، معرفی‌نامه می‌دهم و آنها را با هدیه شما به اورشلیم می‌فرستم.

اگر صلاح باشد که من هم بروم، آنها مرا همراهی خواهند کرد. این یک بینش کوچک و جذاب در مورد نحوه مدیریت پول توسط پولس است. این می‌توانسته مبلغ قابل توجهی پول بوده باشد، و در آن روزها مبلغ سنگینی بوده است زیرا به صورت سکه و طلا از انواع مختلف، طلا و نقره بوده است. می‌توانسته هر چیزی از جواهرات باشد که می‌توانستند با پول مبادله شوند، یا خود پول، که احتمالاً باید در جعبه‌هایی روی یک حیوان بارکش به اورشلیم حمل می‌شدند.

این کار کوچکی نبود، به خصوص در دنیایی که جاده‌های رومی بسیار گسترده بودند، اما سرقت‌های زیادی در آن دنیای باستان رخ می‌داد. بنابراین، به هیچ وجه پروژه کوچکی نبود. ۲. ۱۶-۴. اولین روز هفته

حالا، آن یکشنبه است، و آن روزی بود که مسیحیان در درجه اول آن را عبادت می‌کردند. حالا، در طول کتاب اعمال رسولان، آنها مرتباً ملاقات می‌کردند؛ گاهی اوقات، هر روز ملاقات می‌کردند. در اوایل کتاب اعمال رسولان، الگو این شد که در روز اول هفته به عنوان یک گروه متحد با هم ملاقات کنند.

آیه ۷، باب ۲۰ اعمال رسولان به این موضوع اشاره می‌کند. این زمان به وضوح به عنوان زمانی که مسیحیان رسماً گرد هم آمدند، مشخص شده است. تشویق او در مورد بخشش در اینجا فقط مربوط به پروژه اورشلیم نیست.

بخشید، من کلمه «نه» را آنجا گذاشتم، و نباید هم می‌گذاشتم. این فقط در مورد پروژه اورشلیم است. این متنی در مورد چگونگی حمایت کلیسا از خودش نیست.

این بخشی از کتاب مقدس درباره قربانی ویژه‌ای است که برای مسیحیان یهودی، به ویژه در اورشلیم جمع‌آوری می‌شود. جمع‌آوری مکرر قربانی‌ها برای این منظور به رشد آن کمک می‌کند. بنابراین، وقتی پولس به آنجا می‌رسید، مجبور نبود دوباره بشقاب را تحویل دهد، بلکه همه چیز آماده و مرتب بود.

توجه داشته باشید که پولس به هیچ معیاری مانند عشر یا هر معیار دیگری غیر از آنچه که فرد می‌تواند از این را اینگونه بیان می‌کند، هر یک از RSV، عهده آن برآید، متوسل نمی‌شود. همانطور که زرویک می‌گوید شما باید، NIV 2011 شما باید هر چه اضافی که به دست می‌آورید را کنار بگذارید و پس‌انداز کنید. در مبلغی را متناسب با درآمد خود کنار بگذارید و آن را پس‌انداز کنید.

هیچ استاندارد اینجای بیان نشده. این به جورایی به نوع پیشکش که مربوط به بعد از اینه که قبضه‌ها تون رو پرداخت کردین و به تعهداتتون عمل کردین، به جورایی سود دارین، و اجازه بدین از اون بخشش، سرمایه‌تون رو برداشت کنین. این به جورایی جالبه.

در روزگار ما، ایده‌ی پرداخت ده یک همچنان در کلیساها به شدت رواج دارد، و اغلب به عنوان روشی فریبکارانه برای نگه داشتن مبالغ جمع‌آوری شده در جای مناسب خود استفاده می‌شود. پس لطفاً به این نکته توجه کنید. برمی‌گردم و نظر دیگری می‌دهم.

دستورالعمل‌های پولس در مورد چگونگی ارائه سطح به همه افراد در یک استاندارد جهانی است تا ثروتمندان و فقرا بتوانند در آن مشارکت کنند. با توجه به شرایط زندگی خود، هر چقدر که می‌توانید، کمک کنید. این ممکن است کم یا زیاد باشد، اما هیچ استاندارد وجود ندارد.

شاید ۱۰٪ برای ثروتمندان چیزی نباشد، اما برای فقرا می‌تواند همه چیز باشد. بنابراین، همه باید آنچه را که بیش از نیازشان به آنها نعمت داده شده است، به خدا ببخشند و این در اینجا به عنوان استاندارد در نظر گرفته می‌شود. منطقی است که بگوییم بخشش مربوط به پس از رفع نیازها است.

هیچ گونه دستکاری و تقلبی در کار نیست. هیچ گونه احساس گناهی در رابطه با این نذر وجود ندارد. هر کس نذر خود را در حضور خدا انجام می‌دهد.

پولس جز این، در مورد نحوه‌ی بخشیدن شما تصمیمی نمی‌گیرد. به غیر از این، او فقط می‌خواهد که این هدیه را به اورشلیم برسد. پولس از آنها خواست که از فراوانی خود بدهند.

او از آنها نمی‌خواهد که فداکاری کنند. هر موعظه‌ای که تا به حال در مورد بخشش شنیده‌ام، همیشه مفهوم فداکاری را در خود دارد. آنها اغلب در انجیل‌ها از قدرت بیوه استفاده می‌کنند، که آخرین روزی است که عیسی در معبد است، آخرین رویداد در روزی که عیسی در معبد در طول هفته مصائب موعظه کرد.

وقتی داشتند می‌رفتند، او داستان بیوه زن و بخشش قدرت بیوگی‌اش را تعریف کرد. آن داستان درباره بخشش نبود. نباید از آن برای صحبت درباره معیار بخشش استفاده شود.

باید از آن برای صحبت در مورد تعهد و وفاداری استفاده شود. قدرت بیوه زن، تصویری است از اینکه از میان تمام بی‌وفایی‌هایی که عیسی در تمام آن روز در معبد با آنها مواجه شد، چه رهبران مذهبی و چه هر کس دیگری، او تنها کسی است که مورد ستایش قرار می‌گیرد. او تنها کسی است که فداکاری خود را به خدا نشان می‌دهد. n در درجه

بنابراین، کمی فداکاری وجود دارد زیرا او مطمئناً می‌توانست از آن پول استفاده کند، اما تحت آن سیستم یهودی، او به خدا وفادار بود. و عیسی این را تحسین می‌کند، تنها چیزی که او در تمام آن روز تحسین می‌کند. اما این یک زمینه متفاوت است.

این همان زمینه نیست. پولس خود را از کنترل این پیشکش و از مراقبت از هدیه دور می‌کند، در حالی که همچنان متصل باقی می‌ماند. حتی در آخرین عبارت، اگر او متصل باقی بماند، مسئول سفر خواهد بود.

جالب است که در آیه ۱۶ آمده است. اگر صلاح بدانند که من بروم، آنها هم مرا همراهی خواهند کرد، اما من هم آنها را همراهی خواهم کرد. پولس یک رسول بود و بنابراین، او آنجا بود تا بر پروژه نظارت کند.

با این حال، این مطلق نیست. مطلق نیست. ما دقیقاً نمی‌دانیم در آن رابطه چه اتفاقی افتاده است.

حال، همانطور که قبلاً اشاره کردم، اینجا جای مناسبی برای اشاره به این نکته است که مفهوم ده یک در کتاب مقدس مربوط به اسرائیل است. این اسرائیلی آفرینش است. اسرائیل هم یک نهاد مذهبی و هم یک نهاد مدنی بود.

اسرائیل برای معبد به بودجه نیاز داشت، اما اسرائیل برای زیرساخت‌های ملت اسرائیل به بودجه نیاز داشت. در واقع، وقتی کسی مفهوم بخشش را در عهد عتیق مطالعه می‌کند، متوجه می‌شود که می‌توان ده یک را 30 درصد نامید، نه 10 درصد، زیرا در نقاط مختلفی بخشش انجام می‌شد. آنها به جشنواره‌های اورشلیم می‌رفتند، نه فقط برای پرستش خدا.

بله، به همین دلیل بود که آنها آنجا بودند، اما این امر به ثبات اقتصادی شهر نیز کمک می‌کرد. آنها یک هفته کامل به آنجا آمدند و اردو زدند و پول خرج کردند. در واقع، عهد عتیق این موضوع را کاملاً روشن می‌کند: بخرید، غذا بخرید، بنوشید و در حالی که خدا را پرستش می‌کنید، مهمانی بگیرید.

همه اینها زیرساخت‌های شهر اورشلیم، ملت اسرائیل و کاهنانی را که چشم‌اندازها و روند معبد را تنظیم می‌کردند، پشتیبانی می‌کرد. و بنابراین، در نتیجه، آن عشر در واقع مالیات آنها بود. آنچه به عنوان عشر شناخته می‌شود، در واقع یک مالیات است و آن مالیات نه تنها با یک هدف مذهبی، بلکه با یک هدف مدنی نیز هدایت می‌شود و این مختص اسرائیل است.

این کلیسا نیست. عشر مالیاتی بود که بسیاری از حوزه‌های زندگی مذهبی و مدنی را پوشش می‌داد. عهد جدید هرگز موضوع عشر را به عنوان معیاری برای بخشش مطرح نمی‌کند.

این در هیچ کجای عهد جدید نیست. ممکن است بتوان یک رابطه قیاسی مفید با الگوهای عهد عتیق مشاهده کرد، اما این کار خطر دستکاری و سوءاستفاده از کتاب مقدس را به همراه دارد، بنابراین اگر حتی از آن به صورت قیاسی استفاده می‌کنید، بسیار بسیار مراقب باشید. برای من بسیار جالب است که بسیاری از مسیحیانی که می‌شناسم می‌خواهند از عهد عتیق فاصله بگیرند، اما نمی‌خواهند از مفهوم ده یک فاصله بگیرند زیرا مفید است.

خب، بیایید مراقب باشیم که چگونه از کتاب مقدس استفاده می‌کنیم. بیایید از آن همانطور که قرار بوده، استفاده شود، استفاده کنیم. در عهد جدید صحبت‌های زیادی در مورد چگونگی و چه چیزی باید داد وجود دارد.

مشکل این است که ما در دنیای خود ساختارهایی در مورد کلیسا ایجاد کرده‌ایم که واقعاً بخشی از دوره عهد جدید نبوده‌اند، و در نتیجه، نیاز به بودجه‌های بسیار هنگفتی را نیز ایجاد کرده‌ایم. کلیساها شش روز هفته خالی می‌مانند، بسیاری از آنها برای یک مراسم. خوشبختانه، بسیاری از آنها مهدکودک خانگی دارند.

بسیاری از آنها در طول هفته مشاوره و شاید مطالعه کتاب مقدس و از این قبیل چیزها، جنبه‌های مذهبی دیگری را نیز در بر می‌گیرند، اما نکته اصلی در فرهنگ فعلی ما یک بار در هفته است زیرا بسیاری از خدماتی که قبلاً وجود داشت، دیگر وجود ندارند. برخی از کلیساها کارخانه‌های چند میلیون دلاری می‌سازند. آنها به آنها پردیس می‌گویند.

چرا از این کلمه استفاده می‌کنند، نمی‌دانم، چون متأسفانه آموزش زیادی در آنجا اتفاق نمی‌افتد. اگر قرار است یک دانشگاه باشد، باید یک مدرسه باشد، و در نتیجه، ما از نظر افزایش بودجه در کلیسا با چالش مواجه هستیم و این واقعاً دشوار می‌شود. کلیسا در سطوح مختلفی در حال مبارزه است، اما در نهایت مفهوم بخشش و حمایت، یک محصول است.

این یک هدف نیست. یک محصول است. اگر لطف کنید، محصول معنویت است.

این محصول تعهد است. این محصول پذیرش ضرورت خرج کردن پول برای جنبه‌های مقرر شده‌ی گسترش کلام خدا در جهان است. اگر روی چیزهای دیگر تمرکز کنید و بگذارید پول با عمیق‌تر شدن بار مردم به دست آید، پول بیشتری به دست خواهید آورد.

اگر فقط به خاطر پول روی پول تمرکز کنید، محکوم به مشکلات و مقاومت خواهید بود. بنابراین، در اینجا جمله جالبی از پولس در رابطه با این پیشنهاد آمده است. چیزهای زیادی می‌توان از آن آموخت.

مختصر است، اما پر از اطلاعاتی است که هنوز هم به طور قیاسی برای ما مفید است. در اواسط صفحه را داریم برنامه‌های سفر همراهان پولس را بررسی می‌کنیم. نه تنها در آیات ۱ تا ۱۱، مجموعه ۱، ۲۴۲، برنامه‌های سفر پولس را نیز داریم، بلکه اکنون در ۲.

این در پایان یک رساله غیرمعمول نیست. برخی از رساله‌ها طولانی‌تر از بقیه هستند. رومیان و اول قرن‌تین پایان‌های نسبتاً طولانی دارند و ما از این پایان‌ها چیزهای زیادی در مورد سفر و ماهیت تاریخی آن می‌آموزیم.

به خصوص پس از مطالعه یک کتاب طولانی و چالش‌برانگیز، تمایلی وجود دارد که به سرعت از کلمات پایانی صرف نظر کنیم یا به سرعت از آنها بگذریم. و ما می‌خواهیم سعی کنیم از این امر اجتناب کنیم، حتی اگر تا حد امکان آن را پر نکنیم، اما امیدواریم که به اندازه کافی در این زمینه کار کنیم. مرور برنامه‌های سفر پولس، بینش‌هایی را در مورد نحوه عملکرد اولین خدمات تبلیغی به ما ارائه می‌دهد.

من مجبورم از کلمه مبلغ مذهبی استفاده کنم. چه کلمه دیگری می‌توانم استفاده کنم؟ پولس یک رسول بود. او به همه جا سفر کرد.

افراد دیگری هم بودند که احتمالاً از بزرگان کلیسا بودند و با او کار می‌کردند. هر کدام از آنها به طرق مختلفی با استعداد بودند. شاید کشیش بودند، اما همه آنها دوره گرد بودند.

و با فعالیت‌های پولس که در پایان این رساله‌ها می‌آموزیم، می‌توانیم برخی از جنبه‌های معنای مبلغ بودن در قرن اول را در اصطلاحات خودمان ببینیم. امروزه، ما از کلمه مبلغ برای کسانی استفاده می‌کنیم که معمولاً وطن خود را ترک می‌کنند و به سرزمین‌های خارجی می‌روند و انجیل را پخش می‌کنند. می‌توانیم از آن در اینجا در ایالات متحده استفاده کنیم. من در ایالات متحده با نظامیان و ارتش، در نورفولک، ویرجینیا و کی وست، فلوریدا، و بین برخی از دوران تحصیل، کارهای تبلیغی انجام دادم.

کلمه مبلغ چیزی است که ما برای انتقال این ایده باید از آن استفاده کنیم. کلمه مبشر در افسسیان ۴ در کنار کشیش‌ها و معلمان به کار رفته است، اما واقعیت این است که یک مبشر تا حد زیادی مانند یک مبلغ مذهبی خواهد بود. من فکر می‌کنم کلمه مبلغ مذهبی آنچه را که ما باید استفاده کنیم، به خوبی بیان می‌کند. اول از همه، نکات مهم در وسط ۲۴۲ قرار دارند.

اولین پروژه‌های تبلیغی همیشه سیار بودند. رهبری مقیم از میان جماعت‌های بنیانگذار پدیدار می‌شد. رهبری و خادمان آن موقعیت محلی از میان آن گروه پدیدار می‌شدند.

حالا، فکر کردن به این موضوع چالش برانگیز است، چون بسیاری از آنها تازه به دین مسیحیت گرویده بودند، به خصوص در میان یهودیان، ببخشید، در میان غیریهودیان. آنها تازه به دین مسیحیت گرویده بودند. آنها نیاز به آموزش داشتند.

احتمالاً به همین دلیل است که پولس، یوحنا و دیگران این کلیساها را از نزدیک راهنمایی می‌کردند. به همین دلیل است که آنها یک همراه داشتند. آنها دائماً تدریس می‌کردند و آن افراد را برای یک یا دو سال در آنجا می‌گذاشتند.

پولس چند سالی در افسس بود. او مدت زیادی را در قرن‌تس و جاهای دیگر به تعلیم دیگران گذراند تا آنها بتوانند به آنجا بروند و نیازهای تعلیم در این جماعت‌ها را برآورده کنند. بنابراین، این یک چالش بود و ما باید از این موضوع آگاه باشیم و بدانیم که او همیشه مجموعه‌ای از فارغ‌التحصیلان حوزه علمیه را در اختیار نداشت که از بین آنها انتخاب کند.

او دوست داشت که این‌طور باشد، اما او به صورت سیار به حوزه علمیه می‌رفت، که تنها کاری بود که برایشان مقدور بود. بنابراین، این جماعت‌های بنیانگذار، که سیار بودند، کلمه کلیدی همین است. مبلغان مذهبی توسط کلیسای دیگری فرستاده نمی‌شدند تا در جای دیگری زندگی کنند و کار خود را انجام دهند.

حالا، هیچ اشکالی در این نیست، که روی هم رفته روش مدرن است، چون ما اینجا در مورد تجویز در مورد نحوه انجام ماموریت صحبت نمی‌کنیم. ما در مورد توصیف، روشی که آنها انجام دادند صحبت می‌کنیم. بنابراین، ما می‌توانیم امروز این کار را به روش‌های مختلفی انجام دهیم، اما من فکر می‌کنم که یک اصل در ماهیت سیار آن وجود دارد که باید ما را تحت تأثیر قرار دهد.

هدف ما این نیست که ۳۰ سال را در یک مکان بگذرانیم، آنجا زندگی کنیم، کشیش کلیسا باشیم و هرگز آن را رها نکنیم. اکثر مبلغان خوب، این یک نوع، ببخشید، این یک عبارت کمی گمراه کننده است، این‌طور نیست؟ اما هدف اکثر مبلغان این است که یک کلیسا پیدا کنند، آن را تأسیس کنند و سپس به جای دیگری بروند و کلیسای دیگری پیدا کنند. اگر این اتفاق نمی‌افتد، من باید فلسفه خدمت تبلیغی آنها را زیر سوال ببرم.

مبلغان مذهبی عمدتاً به مکان‌هایی که در آنها خدمت می‌کردند وابسته بودند. همان‌طور که می‌بینید، رسولان و همراهانشان که در اطراف حرکت می‌کردند، برای نیازهای جسمی و مالی خود به مکان‌هایی که در آنها بودند وابسته بودند. آنها آنها را مستقر می‌کردند، برایشان غذا فراهم می‌کردند و سپس، همان‌طور که متن می‌گوید، تعدادی مکان که درخور شأن آنها بود، در مسیرشان به آنها داده می‌شد.

این مربوط به دادن پول کافی به آنها برای رسیدن به مکان بعدی، تثبیت موقعیت و شروع خدمتشان در آنجا است، جایی که آن گروه از مردم آنها را تحویل گرفته و حمایت می‌کنند. بنابراین، این وضعیت در اوایل قرن

اول، بیشتر یک وضعیت حمایتی در حین کار بود. برخی از کلیساهای مانند فیلیپی، متوجه شدند که این موضوع چقدر جدی است و تمایل داشتند برای پولس پول بفرستند.

اما روی هم رفته، در محل انجام می‌شد. حمایت مالی آنها در بحبوحه خدمتشان جمع‌آوری می‌شد و هیچ حقوقی بالاتر از هزینه‌ها وجود نداشت. آنها اساساً پولی را که برای انجام کارهایی که در آن زمان لازم داشتند، داشتند.

باز هم، من نمی‌گویم که ماموریت‌های مدرن نباید حقوقی بالاتر از هزینه‌ها داشته باشند. مسائل خاصی وجود دارد که باید در فرهنگ خودمان به آنها پرداخته شود. اما من فکر می‌کنم که باید به طور جدی در مورد مفهوم ماموریت، هدف آن، معنای آن برای افرادی که در آن دخیل هستند و نحوه انجام آن فکر کنیم.

اینجا جایی برای انباشت ثروت نیست. مطمئناً در فرهنگ ما جایی برای برنامه‌ریزی برای دوران بازنشستگی است، چون احتمالاً قرار نیست قبل از اینکه فرصتی برای مراقبت از خودتان پیدا کنید، بمیرید. ما چالش‌های مراقبت‌های بهداشتی بیشتری داریم و غیره و غیره.

باید به این موارد توجه شود، اما باید مراقب باشیم که وضعیتی ایجاد نکنیم که ماموریت‌ها بیشتر به سطح پشتیبانی علاقه‌مند باشند تا به فراخوان و وظیفه. و من فرض می‌کنم که روی هم رفته، همینطور است، اما باید به صورت موردی بررسی شود. بنابراین ما در اینجا با مطالب توصیفی سروکار داریم که تجویزی نیستند، اما سرنخ‌های خوبی برای بررسی وجود دارد.

همچنین انواع مختلفی وجود داشت. به نظر می‌رسد که پاول مجرد بوده است. ما چیز زیادی در مورد پاول نمی‌دانیم.

او ممکن است متأهل بوده باشد، و همسرش او را ترک کرده باشد، یا فوت کرده باشد. رهبران یهودی، عرف این بود که آنها متأهل باشند، و بنابراین ما تمام اطلاعات مورد نظر خود را در مورد پولس نداریم. می‌دانیم که پطرس متأهل بود.

او همسرش را با خود می‌برد چون مردم از این موضوع شکایت داشتند و من اینجا به این موضوع اشاره کرده‌ام. پطرس هم همسری داشت. معمولاً گروهی از مردم با پولس سفر می‌کردند، بنابراین در هر مکانی که آنها خدمت می‌کردند، نیاز به یک شبکه حمایتی وجود داشت.

این به معنای مسکن و غذا بود، و سپس، وقتی آنها آنجا را ترک می‌کردند، به اندازه کافی برای رساندن آنها به مکان بعدی - نکته سوم - متون متعددی وجود دارد که به ما بینشی از سفرهای این کارگران می‌دهد.

اعمال رسولان، رومیان، تیطوس، انجیل یوحنا، دوم قرن‌تانیان، حتی اول مکابیان، که می‌گویند رومیان به آنها نامه‌هایی به مردم در هر مکان می‌دادند و از آنها می‌خواستند که امنیت سفر فرستادگان به سرزمین یهودا را فراهم کنند، این همان چیزی است که ما در مورد آن صحبت می‌کردیم. بنابراین ماهیت سفر در دنیای باستان اینگونه بود. دنیای باستان اینگونه اداره می‌شد.

مهمان‌نوازی در محیط‌های سامی بسیار مهم بود زیرا این بخشی از تعهد آنها بود. در واقع، اگر فیلم را دیده باشید، حتی نمی‌توانم اسمش را به خاطر بیاورم، اما این یک داستان واقعی در مورد فوک‌ها و فوک‌های نیروی دریایی بود که در افغانستان کشته شدند. یکی از آنها به دلیل قوانین مهمان‌نوازی در میان اعراب، جایی که این شخص در نهایت به آنجا رسید، زنده ماند.

روستا از او محافظت کرد، حتی برخی از جان‌های خود را از دست دادند و با دشمنان عرب خود جنگیدند تا بتوانند به قول مهمان‌نوازی خود نسبت به این فرد عمل کنند. بنابراین، رسوم باستانی حتی هر از گاهی در بخش‌های آسیای جهان ما ظاهر شده‌اند. اول قرنتیان ۶:۱۶، تا بتوانید مرا به راهم هدایت کنید.

این یک عبارت تخصصی است که در جاهای مختلف ظاهر می‌شود. همچنین در رساله سوم یوحنا، یکی از رساله‌های کوچک مورد علاقه من، آمده است، جایی که گایوس، یوحنا، حواریون و همراهان شایسته آنها را به سفری طولانی و دور می‌فرستد. آنها به این حمایت نیاز داشتند و شما باید آن رساله و همچنین رساله دوم یوحنا را بارها و بارها بخوانید.

سوم، یوحنا دریچه مورد علاقه من به کارهای اولیه ماموریت‌های سیار است. پس از مرگ پولس، یوحنا ی رسول کلیسای آسیای صغیر را اداره می‌کرد. در اوایل، او در افسس زندگی می‌کرد و احتمالاً از کمک تیموتائوس که اهل افسس بود، برخوردار بود.

سوم، جان دریچه‌ای به چگونگی انجام کار سیار در آن روز ارائه می‌دهد. بسیار جذاب است. در دیدگاه نیز وجود دارد.

یک آموزه مربوط به قرن دوم است. درباره قرن دوازدهم میلادی است و درباره چگونگی (Didache) دیدگاه عملکرد کلیسای اولیه صحبت می‌کند. بخشی در دیدگاه وجود دارد که درباره خدمت سیار صحبت می‌کند و اینکه آنها فقط برای مدت کوتاهی می‌آیند و سپس باید ادامه دهند.

آنها جا نمی‌افتند. اگر خیلی طولانی بمانند، در واقع، آن زمان، فکر می‌کنم از دو یا سه روز شروع می‌شد؛ آنها معتبر نبودند. آنها معلمان دروغین بودند زیرا از جامعه ارتزاق می‌کردند.

بنابراین، دیدن اینکه این دنیا از نظر معلمان سیار چگونه عمل می‌کرد، جنبه بسیار جالبی دارد. پولس در رابطه با اطلاعات سفرش، در آیه ۹ درباره سیستم حمایتی نیز صحبت می‌کند. همانطور که به یاد دارید این یکی از زمینه‌هایی است که... من آیه ۹ را گفتم، اما می‌خواهم... بله، آیه ۸. اما من تا پنطیکاست در افسس خواهم ماند زیرا دری بزرگ برای کار مؤثر برای من باز شده است، و بسیاری هستند که با من مخالفند.

و کمی بعدتر، در آیه ۱۵، به آن اشاره می‌شود. من آن را در یادداشت‌هایم در اوایل آورده‌ام. سیستم حمایتی روم نیز به رسالت مسیحی خدمت می‌کرد، و ما در آیه ۱۵:۱۶ به آن خواهیم پرداخت.

مطمئن نیستم چرا این را اینجا گذاشتم، اما آنجا خواهیم دید. نکته بعدی جایگاه تیموتائوس است. تیموتائوس شخصیت اصلی و احتمالاً برجسته‌ترین فرد در کنار پولس بود.

تعدادی دیگر نیز بودند، مانند اپافراس، اپافرودیتوس، تیطوس و مرقس. تعدادی از افراد نیز جزو همراهان پولس بودند و در انتهای بسیاری از رساله‌ها از آنها نام برده شده است - تیموتائوس در آیات ۱۰ و ۱۱.

وقتی تیموتائوس می‌آید، مراقبش باش... حالا، اینجا چند نکته‌ی شخصی دیگر هم مطرح می‌شود. خیلی وقت پیش در یکی از اولین سخنرانی‌هایمان، وقتی به آن نامه‌ی باستانی نگاه کردیم، بخشی از این اطلاعات را در انتهای آن نامه‌ی بسیار کوتاه دیدیم، اما به اینجا توجه کنید. تیموتائوس که می‌آید، مراقبش باش که چیزی برای ترسیدن نداشته باشد.

اصلاً چرا پولس باید چنین چیزی بگوید؟ خب، به دو دلیل. یکی شخصیت قوی قرن‌تس رومی و شاید شخصیت ضعیف تیموتائوس است که پولس در رساله‌های شبانی از آن صحبت می‌کند. تیموتائوس وفادار بود.

تیموتائوس سخت کار کرد، اما به نظر نمی‌رسد که تیموتائوس شخصیتی قوی داشته باشد، و پولس، رک و پوست‌کنده، از او محافظت می‌کند. او می‌گوید، ببینید که او چیزی برای ترسیدن ندارد. این ممکن است به این مربوط باشد که قرن‌تس چقدر می‌تواند ترسناک باشد، همانطور که در اول قرن‌تیان ۴ و در دوم قرن‌تیان درباره آن صحبت می‌شود، یا می‌تواند به شخصیت خود تیموتائوس مربوط باشد.

بخش دوم، هیچ‌کس او را تحقیر نکند. به نظر نمی‌رسد تیموتائوس آن شخصیت قدرتمند را داشته باشد. اول تیموتائوس ۴، دوم تیموتائوس ۱ و ۲. در این مورد صحبت کنید.

بنابراین، پولس از او محافظت می‌کند. راستش را بخواهید، حتماً برای تیموتائوس کمی خجالت‌آور بوده که این موضوع در ملاء عام خوانده شود، اما با این وجود، قضیه همین است. پس هیچ‌کس نباید با او با تحقیر رفتار کند.

جوانی او چیزی بود که برخی از شهادت‌ها در چوپانی‌ها قدرش را نمی‌دانستند. پس هیچ‌کس نباید با او با تحقیر رفتار کند. او را به راهش بفرستید.

دوباره آن عبارت در صلح وجود دارد. شالوم، به یک معنا، به معنای به هر شکل خوب است.

فقط این نیست که او را به در نزنید، با در بیرون. تا شاید پیش من برگردد. من به همراه برادران منتظرش هستم.

این همان همراهانی است که ما به آنها اشاره می‌کنیم. او را به راهش بفرستید. بنابراین، نکات ظریف زیادی در این زبان وجود دارد که به ماهیت خدمت سیار و مسئولیت کلیساها برای حمایت از این افراد مربوط می‌شود.

اگر بخواهید، این پروژه تبلیغی آنها بود، و همچنین هر هزینه اضافی که برای مراقبت و رسیدگی به مردم خودشان، بیوه‌ها، فقرا و کسانی که با چالش‌های مختلف روبرو بودند، داشتند. آن جامعه از نظر مراقبت از خودش، کاملاً داخلی بود. در دنیای باستان هیچ سیستم تأمین اجتماعی وجود نداشت.

نظام تأمین اجتماعی، خانواده بود. در تمام طول تاریخ، از زمان ابراهیم تا به امروز، می‌بینیم که این نظام چگونه در روایات عمل می‌کرده است. و همین امر در قرن اول نیز صادق است.

خانواده شما شبکه تأمین اجتماعی شماست. این امر آن را بسیار مهم کرد. همچنین مسئله نخست‌زادگی را حتی تا عهد جدید، مهم جلوه داد، به‌ویژه در یک فرهنگ سامی مانند عهد عتیق.

و بنابراین، لزوم توجه به آن بسیار مهم است. آپولس در ۱۲:۱۶. حالا در مورد برادرمان، آپولس.

حالا به این حرف گوش کن و فکر کن. در موردش فکر کن. من خیلی اصرار کردم که با برادرها پیش تو بیاید.

حالا، اکیداً تأکید می‌کنم. این یک نوع بیانیه‌ی ضعیف نیست. اگر پولس اکیداً شما را به انجام کاری ترغیب کرد، باید آن را ارائه دهید.

خب، آپولوس این کار را نکرد. او کاملاً تمایلی به رفتن در حال حاضر نداشت، اما وقتی فرصتی پیدا می‌کرد می‌رفت. نمی‌توانم خودم را تصور کنم که به پولس رسول بگویم، ببین، پولس، من الان خیلی سرم با بعضی از این چیزهای دیگر شلوغ است.

وقتی فرصتی پیدا کنم، میرم. فقط صبور باشید. راستش را بخواهید، فکر نمی‌کنم این خیلی اغراق‌آمیز باشد. در مورد مفاهیم آن متن.

پولس واقعاً بی‌رحمانه صادق است. و احتمالاً آنها در قرن‌تس آپولوس را دوست داشتند، چون، با توجه به اطلاعات کمی که در مورد آپولوس داریم، او یک سخنور بود. او کسی بود که می‌توانست سخنرانی کند، و شما آنجا می‌نشستید و دهانتان باز می‌ماند.

و بنابراین، ممکن است آنها به چند دلیل درخواست حضور او را کرده باشند. این می‌تواند یکی از دلایلی باشد که او هم نمی‌خواست برود. ما نمی‌دانیم.

پولس می‌خواست او برود. ظاهراً از او التماس می‌کرد که برود، و آپولوس گفت، نه، من هنوز نمی‌روم. او مسلماً جزو اطرافیان تحت مدیریت پولس نبود، اما یک کارمند آزاد بود، اما در کنار او بود، و من با احترام به پولس، مطمئنم.

ما چیز زیادی در مورد او نمی‌دانیم، اما او مرد خودش بود و به هر حال توسط پولس به عنوان یک وزیر شایسته تأیید شده بود. من این را دوست دارم. پولس می‌توانست کسی را وادار به عقب‌نشینی کند، و پولس همچنان از آنها قدردانی و احترام می‌کرد، هرچند که به خواسته‌اش نرسید.

رهبران زیادی نمی‌توانند از پس این کار بر بیایند. خوب است بدانیم که پولس همیشه به خواسته‌هایش نمی‌رسید و می‌توانست با این مشکل که به خواسته‌هایش نمی‌رسید، کنار بیاید. و بنابراین، برنامه‌های سفر را اینجا داریم.

ما پیشنهاد را دریافت کرده‌ایم و برنامه‌های سفر در حال تغییر هستند. جزئیات جغرافیایی دیگری هم وجود دارد که ما اینجا در مورد آنها صحبت نکردیم و می‌توان آنها را پیگیری کرد. شما به یک نقشه خوب نیاز دارید.

می‌توانید آنها را از اینترنت یا گاهی از یک کتاب نظرسنجی خوب پیدا کنید. بسیار خوب، حالا برویم سراغ اختتامیه‌ی نامه. به یاد داشته باشید، هر نامه‌ای یک شروع رسمی دارد.

هر رساله‌ای یک پایان رسمی دارد، و اینجا جایی است که ما اکنون در آیه ۱۳ به آن می‌رسیم. اگرچه به نظر می‌رسد که ممکن است زودتر شروع شده باشد، اما در واقع از آیه ۱۳ شروع می‌شود زیرا پولس حتی از عبارت اکنون در مورد آپولوس «استفاده می‌کند که به ۷:۱ برمی‌گردد. بنابراین شاید قرن‌تس برای حضور آپولوس» اصرار داشتند، و شاید پولس فقط به آنها می‌گوید که «من سعی کردم، اما او حاضر به انجام آن نشد». آیه ۱۳: مراقب خود باشید.

در ایمان استوار باشید. شجاع باشید. قوی باشید.

این یک گذار بسیار معمول به جملات پایانی یک رساله است. تشویق و فراخوان، یک نصیحت عمومی برای هوشیار بودن. تماشا کنید.

این فعلی است که ۲۱ بار برای چشم‌انداز آینده و هوشیاری آخرالزمانی به کار رفته است، به ویژه در انجیل‌ها که مثلاً به معنای بیدار باش و دعا کن است. و بنابراین، این کلمه‌ای نیست که آنها، حداقل تا حدودی، اصل مطلب را متوجه نشده باشند. بیدار باش به معنای هوشیار بودن است.

.مراقب خود باشید. آماده باشید. شما در ایمان استوار هستید.

.در ایمان استوار باش. من شجاع و قوی بودم. برای اعمال دنیوی حد و مرزی تعیین کن.

.پولس با این نصیحت سخنانش را به پایان می‌رساند. در ایمان استوار باشید، نه اینکه فقط محکم بایستید. پولس باید در مورد ایمان به آنها می‌گفت که فرآیندهای مناسب چیستند، و اینکه دنیوی نبودن، دنبال نخبه‌گرایی و مقام و غیره نبودن، بلکه یک فرد کتاب مقدسی بودن به چه معناست.

و به نظر من، او ایمان را اضافه می‌کند تا تمام چیزهایی را که به عنوان بخشی از معنای ایستادگی مورد بحث قرار می‌گیرند، بازگرداند. از متون مقدس دست نکشید. بگذارید متن، متن باشد.

.باشه. همه کارها رو انجام بده. شجاع و قوی باش.

همه چیز را با عشق انجام دهید. در آیات ۱۵ و بعد از آن، تشویقی برای تجلیل از خادمان مسیحی قرن‌تین داریم.

ضمناً، آیه ۱۴ به جورایی فصل ۱۳ رو تکرار می‌کنه، مگه نه؟ فصلی که بهش میگن عشق. و عشق یه فعالیتیه. یادتون باشه، عشق فقط یه احساس نیست.

.عشق یک فعالیت است. همه چیز را با عشق انجام دهید. جامعه بر اساس مفهوم عشق عمل می‌کند.

.عشق نگهبان جامعه است. عشق مدیر جامعه و نحوه عملکرد آن است - آیه ۱۵.

شما می‌دانید که خانواده‌ی استیفان اولین ایمان‌آوردگان در اخائیة بودند و خود را وقف خدمت به قوم خداوند کرده‌اند. ای برادران و خواهران، از شما می‌خواهم که مطیع چنین افرادی و هر کسی باشید که در این کار شرکت می‌کند و در آن زحمت می‌کشد. وقتی استیفان فورتوناتوس و اخائیا از راه رسیدند، خوشحال شدم زیرا آنها آنچه را که شما کم داشتید، تأمین کرده بودند.

،این هم غیرمعمول نیست. در بسیاری از اختتامیه‌ها، مثلاً در رساله‌ی اپافرودیتوس، در رساله‌ی کولسیان پولس هرگز به کولسی نرفته بود، اما اپافرودیتوس همان اپافروسی است که کلیسا را تأسیس کرد، یکی از همراهان پولس بود، کلیسا را تأسیس کرد و سپس به ملاقات پولس آمد. و پولس در مورد او می‌نویسد و او را به آن جماعت معرفی می‌کند.

بنابراین، جماعت افرادی را فرستادند. وقتی پولس در زندان بود، در آن زندان، نوعی حبس خانگی بود، اما در یک مرکز نگهداری. اما شما مجبور بودید از خودتان مراقبت کنید.

شما مجبور بودید غذایتان را خودتان فراهم کنید و غیره. روم از شما مراقبت نکرد. شما این امتیاز را داشتید که کسی بیاید و چیزی برایتان بیاورد.

و کلیساها در موارد متعددی از پولس مراقبت کردند. و ما، به ویژه در رابطه با روم، اشاراتی به آن داریم. زیرا آنها روح من و شما را تازه کردند.

چنین مردانی شایسته تقدیر هستند. کاری که آنها برای من انجام دادند، برای تو هم انجام داده‌اند. بسیار خوب.

- جالب است، اینطور نیست؟ خوب، پس ما نصیحت عمومی برای بیدار ماندن و محکم ایستادن را داریم. تشویقی برای بزرگداشت خادمان مسیحی قرن‌تین. پولس چندین نفر از این خادمان را که در خدمت ارزشمند بودند، به کار گرفت.

احتمالاً خانواده‌ی استیفانوس، خانواده‌ای حامی کلیسا بوده‌اند. او در ابتدای رساله و همچنین در اینجا ذکر شده است. و وینتر خاطرنشان می‌کند که حامیان معمولاً انگیزه دارند تا با انجام کارهای نیک، برای خود احترام و آبرو ایجاد کنند.

آنها برای دریافت پاداش، کار نیک انجام می‌دهند. در گفته پولس، استفانوس برعکس عمل کرد. او به جامعه افتخار بخشید و جایگاه آنها را ارتقا داد، نه فقط جایگاه خودش را.

و این همان نوع گذاری است که پولس به دنبال آن بود. و این فرد آن را داشت. نامه پولس با سلام‌های پایانی او در آیات ۱۹ تا ۲۴ به پایان می‌رسد.

شبکه موجود کلیساها اولین چیزی است که اینجا مطرح می‌شود. کلیساهای استان آسیا. و اگر بتوانید دریای مدیترانه را از اینجا ببینید، پلوپونز یونان، و بعد آب را دارید، و بعد سرزمین اصلی، افسس را دارید که به ساحل دریا می‌رسد، به اصطلاح.

رودخانه‌ای وجود داشت که پر از گل و لای می‌شد و رودخانه را پر می‌کرد و افسس را کمی به عقب منتقل می‌کرد. اما در روزهای اولیه، به عنوان یک بندر تجاری به آب نزدیک‌تر بود. و سپس به سمت راست، اگر به آن نگاه کنید، دایره‌ای از هفت کلیسا را دارید که در پولس پیدا می‌کنید، اما این یوحنا است که پس از مرگ پولس در پایان قرن اول، آن کلیساها را مدیریت می‌کند.

یادتان هست که پولس رساله اول قرن‌تین را از افسس نوشت. افسس جایی بود که یوحنا در آن فعالیت می‌کرد. و ما اطلاعات زیادی در مورد اینکه آیا یوحنا در زمان حضور پولس آنجا بوده یا اینکه بعداً به آنجا آمده، نداریم.

آیا یوحنا مدت بیشتری در اورشلیم ماند و سپس به افسس آمد؟ این احتمالاً بسیار محتمل است. تیموتائوس نیز در افسس کار می‌کرد. و تصور اینکه پس از مرگ پولس، تیموتائوس در افسس بود، و وقتی یوحنا آمد، دوباره آن تیم، رسول و تیموتائوس، را داریم، چندان دور از ذهن نیست.

در آن زمان، افسس پایتخت استان رومی آسیا بود. کلیساهای آسیا در آیه ۱۹:۱۶ طیف بسیار وسیعی را باشد. هیروپولیس O باید Q پوشش می‌دهند. افسس، کولسی، هیروپولیس، یک اشتباه تاپی وجود دارد، که لائودیسیا، و احتمالاً سایر کلیساهای ذکر شده در مکاشفه ۱:۱۱. لائودیسیا بخشی از آن گروه بود، اما، این هفت کلیسا توسط یوحنا اداره می‌شدند.

و برای من جالب است، فقط در مورد این فکر کنید، یوحنا کلیساهای باب‌های ۱ تا ۳ کتاب مکاشفه را مدیریت می‌کرد. در کتاب مکاشفه، عیسی در برخی از این گفته‌های اولیه صحبت می‌کند. یوحنا آن را در حالی که در جزیره پاتموس است، دریافت می‌کند.

و یوحنا آن کلیساها را می‌شناخت. آنها برای او ناشناخته نبودند. سپس، او این پیام‌ها را در مورد هر کلیسا دریافت می‌کند.

شنیدن تحلیل خدا از آنچه مدیریت می‌کردی، حتماً موقعیت جذابی بوده است. احتمالاً سعی می‌کردی آنها را در مسیر درست قرار دهی اما برایش دشوار بود. افسوس، که کلیسای بسیار بزرگی بود، عشق اولیه‌اش را از دست داده بود.

و بدیهی است که این سایه‌ای از خود سابق و تعهدش بود. بنابراین، با توجه به این ارجاعات جغرافیایی نکات جذاب زیادی برای تأمل وجود دارد. همچنین جالب است که دهه‌های پایانی قرن اول، همانطور که قبلاً اشاره کردم، رسول یوحنا ناظر کلیساهای آسیا بود.

مخصوصاً رساله سوم یوحنا را بخوانید تا ببینید چطور این اتفاق برای اطرافیانش افتاد. اما رساله دوم یوحنا را بخوانید که در آن با یک حامی کلیسا و در واقع یک خانم صحبت می‌شود. و ببینید چطور پیش می‌رود.

آکیلا و پریسکا. ما به شنیدن کلمه پریسکیلا عادت داریم. اما پریسکا، آنها برای کلیسای روم شناخته شده بودند زیرا از نوکیشان برجسته پولس در زمان حضورش در قرن‌تس بودند.

و اهالی قرن‌تس روم آنها را می‌شناختند. اعمال رسولان ۱۸. آنها ممکن است زمانی از حامیان کلیسای قرن‌تس بوده‌اند.

رومیان ۱۶. آنها طبق رومیان ۱۶ آیات ۳ و ۴ به جمع همراهان پولس در خدمت موعظه پیوستند. بنابراین این دو نفر افراد برجسته‌ای بودند. این بار ابتدا از آکیلا نام برده شده است.

آنها معلمان و مروجان رشد کلیسای مسیحی بودند. آنها حتماً در روم تاجر بودند. آنها زیاد سفر می‌کردند.

ما می‌بینیم که آنها اینجا و آنجا ظاهر می‌شوند. و آن زمان دنیای بسیار سیالی بود. و افرادی که کارآفرین و تاجر بودند، سفر می‌کردند.

سلام کردن به یکدیگر با بوسه‌ای مقدس. خب، در فرهنگ آنها، آنها با بوسه به یکدیگر سلام می‌کردند. چیزی شبیه به اروپا، همانطور که احتمالاً بارها دیده‌اید یا تمرین کرده‌اید.

این یک رسم رایج برای احوالپرسی بود. درست مانند دست دادن که در برخی فرهنگ‌ها یک رسم رایج است. دست دادن می‌تواند مودبانه یا گرم باشد.

و این دو نفر هستند که تفاوت را رقم می‌زنند. حتی یک بغل کردن به همراه دست دادن. در فرهنگ آمریکایی، بوسه هرگز خیلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

با این وجود، ما با بوسه‌ای مقدس به یکدیگر سلام می‌کنیم. دست دادن خوب معادل آن است. می‌بینید که این چقدر توصیفی است و نه تجویزی.

امضای تأییدکننده پولس. این بخش جالبی از رساله‌ها، در فصل ۱۶ و آیه ۲۱ است.

من، پاول، این سلام را با دست خودم می‌نویسم. جمله پایانی، یا ببخشید، این جمله پایانی، کاربرد یک نویسنده‌ی حرفه‌ای را نشان می‌دهد. یک نویسنده‌ی حرفه‌ای نویسنده‌ی حرفه‌ای بود.

و آنها در قرن اول برای تهیه اسناد بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفتند. و در چندین جا کاملاً واضح به نظر استفاده کرده است. آنها ممکن است بخشی از اطرافیان او یا یک amanuensis می‌رسد که پولس از متخصص محلی بوده باشند.

ما نمی‌دانیم. در نتیجه‌ی آن رسم رایج، پولس با نوشتن چیزی در پایان نامه یا حداقل امضای خود، آن را تأیید کرد. فرضیه‌های زیادی در مورد اینکه چرا پولس خودش کل نامه را ننوشته، وجود دارد.

او قطعاً قادر به انجام این کار بود. یکی از پاسخ‌ها به این سوال این است که وقتی پولس در جاده لستره سنگسار شد، چشمانش آسیب دید. در نتیجه او مشکل بینایی داشت و برخی مشکلات وجود داشت که می‌توانست بر نوشته‌های او تأثیر بگذارد.

جمله‌ای در مورد خار در جسم پولس وجود دارد. برخی فکر می‌کنند که این به هر اتفاقی که برای او افتاده اشاره دارد. وقتی مردم شما را سنگسار می‌کنند، به پای شما سنگ نمی‌زنند.

آنها آنها را به سر شما پرتاب می‌کنند. و به احتمال زیاد، پولس در اثر سنگسار شدن در جاده لستره به طرز وحشتناکی زخمی شده و شاید حتی بینایی‌اش آسیب دیده باشد. ما نمی‌دانیم.

استفاده می‌کند و سپس نامه amanuensis شاید این یکی از بازسازی‌های آن باشد. اما می‌بینیم که پولس از را با امضای خود یا یک جمله پایانی تأیید می‌کند. در غلاطیان، او در مورد دیدن اینکه با چه حروف بزرگی می‌نویسم صحبت می‌کند.

و این حتی می‌تواند به بینایی او اشاره داشته باشد. نکته سوم، نفرین جدی پولس و ماراناتا در سال ۱۶۲۲ است. اگر کسی خداوند را دوست ندارد، لعنت بر او باد.

وای، این مثل این است که یک لیوان آب سرد به صورتت بریزند. خیلی تند به نظر می‌رسد، نه؟ در واقع یک نفرین است. ما در عهد عتیق مزامیر نفرین‌آمیز داریم که در آن نویسنده علیه ملت، شخص یا موقعیت دیگری صحبت می‌کند و آن موقعیت را به داوری خدا فرا می‌خواند.

خب، این خیلی هم از آن پایه و اساس دور نیست. شاید به این خوبی بیان نشده باشد، اما به اندازه کافی واضح است که این یک نوع جمله‌ی نفرین‌آمیز است. اگر خداوند را دوست نداشته باشید، نفرین شده‌اید.

تو مورد لعن و نفرین هستی. این به ابتدای فصل ۱۲ برمی‌گردد، جایی که بحث لعن و نفرین مطرح می‌شود. شاید ارتباطش کاملاً برای ما روشن نباشد، اما با این وجود، اصطلاحش همین است.

بیا ای خداوند، و این کلمه ماراناتا است. این یک اصطلاح آرامی به معنای آمدن نزد خداوند است، و در اینجا به جای اینکه با اصطلاح ماراناتا نوشته شود، ترجمه شده است. نفرین پایانی، ماراناتا، منحصر به اول قرن‌تیان است.

شما این را در هیچ جای دیگری از عهد جدید پیدا نخواهید کرد، اگرچه می‌توان ابتدای آن را با غلاطیان ۱:۸ و ۹ که در آنها به نفرین اشاره شده است، مقایسه کرد. ای غلاطیان نادان، چه کسی شما را افسون کرده است؟ هیچ مقدمه‌ای برای آن نامه وجود ندارد. پروتکل شکسته شده است، که در مورد ابتدای کتاب غلاطیان، جمله‌ی بسیار بزرگی است.

نفرین به معنای نفرین در عهد جدید است. ماراناتا یک اصطلاح آرامی است که زبان رایج در فلسطین قرن اول بود. فیتزمایر ادعا می‌کند که پولس به زبان آرامی دعا می‌کرد، احتمالاً در ارتباط با استفاده عیسی از زبان آرامی در زندگی زمینی‌اش.

خب، من در مورد کل این موضوع مطمئن نیستم. این یک متن نسبتاً کوتاه است، فقط یک کلمه دارد که می‌توانست به یک کلمه رمز تبدیل شود. با این وجود، عیسی و حواریون به زبان‌های آرامی، یونانی و احتمالاً عبری تسلط کامل داشتند.

و شاید پولس لاتین را نیز می‌دانست، که زبان رومی بود. اسناد تاریخی شواهدی از این زبان‌ها در فلسطین رومی و همچنین استفاده از لاتین برای امور رسمی رومی را نشان می‌دهند. ما مکاتبات نظامی در فلسطین قرن اول داریم که در آن دستورات به زبان‌های آرامی، یونانی و لاتین ارسال می‌شدند تا هیچ گونه سردرگمی وجود نداشته باشد.

کسی هست که بتواند یکی از آن زبان‌ها را در محل گیرنده بخواند. بنابراین، پاول خیلی جدی است. می‌دانید، این‌طور نیست، او اینجا بازی نمی‌کند.

اگر خداوند را دوست ندارید، ملعون هستید. بیا، ای خداوند. فیض خداوند عیسی با تو باد.

عشق من به همه شما در مسیح عیسی. آمین. پولس عشق خود را به جامعه بیان می‌کند.

عشق در کتاب مقدس در جامعه غالب است - مفهومی از وفاداری به عهد. عشق در کتاب مقدس برخلاف بسیاری از فرهنگ‌های ما، یک اصطلاح احساسی نیست.

عشق یک تعهد است. اگر شوهر یا همسرتان را دوست دارید، به آنها متعهد هستید. همیشه، وقتی افراد به دفتر کشیش می‌آیند و می‌خواهند طلاق بگیرند، می‌گویند، ما نمی‌خواهیم چه؟ ما دیگر همدیگر را دوست نداریم.

و بعد درست در همان لحظه به آنها درسی در مورد عشق می‌دهم. عشق ربطی به احساس شما ندارد. عشق مربوط به تعهدی است که برای ادامه دادن در یک رابطه ایجاد شده است.

حالا، خیلی چیزها هست که باید در موردشان بحث کرد. من با خلاصه کردن این بحث، آن را بی‌اهمیت نمی‌کنم. اما واقعیت این است که عشق چیزی بیش از یک ابراز احساسات است.

دوستت دارم. بهترین وجودت را در قلبم دارم. عشق تصمیم به انجام کار نیک است، بزرگترین نیکی ممکن به سوی هدف عشق.

ما در فصل ۱۳ در مورد این موضوع صحبت کردیم. و این همان چیزی است که پولس می‌گفت. و همین نکته‌ی منفی در آیه‌ی ۲۲ نیز صادق است.

اگر خداوند را دوست ندارید، یعنی اگر خداوند را آنطور که هست نمی‌شناسید و خود را به او متعهد نمی‌دانید، و بنابراین جدا از آن زندگی می‌کنید، پس نفرین شده‌اید. شما لطف خدا را نمی‌شناسید. جایی برای رفتن ندارید.

بسیار خوب، پس به برخی از مضامینی که قبلاً دیده‌ایم برمی‌گردیم. جالب است که اول قرن‌تین تنها رساله پولس است که در آن از عشق خود به گیرندگان نامه صحبت می‌کند. البته این بدان معنا نیست که او به هیچ وجه دیگران را دوست نداشته است.

اما جالب است که او در اینجا و در انتها از آن استفاده می‌کند. شاید با توجه به ماهیت این رساله، این امر به ویژه هم برای مخاطبان اولیه و هم برای رابطه‌شان دلگرم‌کننده باشد. حال، این واقعیت که او از عشق هم به صورت منفی و هم به صورت مثبت استفاده می‌کند نیز جالب است.

اگر هنوز کسانی در قرن‌تس باشند که به دلیل نخبه‌گرایی و جایگاه اجتماعی‌شان، وفاداری به عهد خود را به خداوند نشان ندهند، پس آنها نفرین شده‌اند. بنابراین، پولس در حال ترسیم یک مرزبندی بود. او اهل تعارف نیست و خواستار واکنشی بسیار جدی به خداوند عیسی مسیح است.

و به کلیسایش. خب، این اول قرن‌تین است. این ترکیبی از اول قرن‌تین است.

چه کتاب فوق‌العاده‌ای. خیلی کارهای دیگر هم می‌توانید انجام دهید. و برای اینکه به اعتقادات راسخ برسید و بتوانید دیدگاه‌های خاصی را که در رساله اول قرن‌تین برای خدمت شما جدی هستند، درک کنید، باید خودتان تحقیق کنید.

حتی اگر در گوش دادن به من و استفاده‌ی درست از یادداشت‌ها پشتکار داشته باشید، هنوز هم باید خودتان مطالعه و تحقیق کنید، زیرا این فرآیندی است که برای نفوذ آن در تمام وجودتان ضروری است. و برای اینکه اعتماد به نفس داشته باشید و بتوانید به دیگران کمک کنید. آسان نیست، اما ضروری است.

و من اطمینان دارم که شما شجاعت لازم برای پیشرفت در خدمت خودتان را به این شکل خواهید داشت. در پایان، اگر در طول این ۳۱ سخنرانی با ما بوده‌اید، مایلم به شما تبریک بگویم که با ما همراه بودید. مطمئنم نشستن جلوی صفحه کامپیوتر و گوش دادن به من آسان نیست.

امیدوارم یادداشت‌های من به شما کمک کرده باشد که در نتیجه‌ی این فرآیند، سردرگم یا خسته نشوید. امیدوارم شما را به تحقیق بیشتر ترغیب کرده باشم. موافقت با من هدف این دوره نیست، بلکه جستجو در متون مقدس است.

بنابراین، به خاطر انجام این کار تبریک می‌گویم. اگرچه ساعت‌ها و یادداشت‌ها ممکن است زیاد به نظر برسند، اما من به شدت آگاه هستم که ما در اثبات بسیاری از ادعاهای خود فقط به سطح رسیده‌ایم. من چیزهای زیادی گفته‌ام، اما گاهی اوقات چیزهای زیادی گفته‌ام بدون اینکه دلیل و مدرک زیادی داشته باشم. زیرا در این نوع زمینه نمی‌توانید این کار را انجام دهید.

اما من منابع را به شما داده‌ام زیرا اینها ایده‌های هوشمندانه من نیستند. اینها فقط تفکر من نیستند، اما در متون مربوط به رساله اول قرن‌تین به خوبی پایه و اساس دارند. اگر این مجموعه ویدیوها را مرور کنید، سپاسگزار خواهم بود.

ممنون می‌شوم. ایمیل من را در یادداشت‌های ابتدای درس‌ها دارید. و اگر ممکن است ایمیلی حاوی مروری بر نقاط قوت و ضعف تجربیاتتان در طول این درس‌ها برای من ارسال کنید.

با این مجموعه‌ی فعلی چیز زیادی نیست که بتوانم درستش کنم، اما امیدوارم بتوانم کارهای دیگری هم انجام بدهم. دوست دارم مجموعه‌ای درباره‌ی شناخت اراده‌ی خدا بنویسم. کتابی در این مورد نوشته‌ام و دوست دارم آن را در این قالب قرار دهم.

من همچنین یک مجموعه جدی در مورد میوه روح دارم که احتمالاً 10 تا 15 ساعت طول می‌کشد. قرار دادن آن در این قالب، یک مجموعه کوتاه خواهد بود. و چیزهای دیگری هم هست.

اما از بازخورد شما برای کمک به من قدردانی می‌کنم، زیرا برقراری ارتباط با دوربین این ویدیو کار آسانی نیست. من سعی می‌کنم این کار را انجام دهم و تصور کنم که شما آنجا نشسته‌اید، حتی اگر نتوانم بازخورد فوری شما را دریافت کنم. اما امیدوارم که حداقل تا حدودی در جلب توجه شما موفق بوده باشم.

پس، خدا شما را حفظ کند. و همانطور که قبلاً در این مجموعه اشاره کردم، می‌خواهم این را با دعا به پایان برسانم، که در ابتدای هر بخش دعایی از نوع ظاهری نخواهم خواند. من برای خودم دعا می‌کنم، شما هم برای خودتان دعا کنید، و بعد به اصل مطلب می‌پردازیم.

اما می‌خواهم این را با یک دعا به پایان برسانم. پدر مقدس ما، از تو به خاطر عشقی که به ما داری سپاسگزاریم. از تو سپاسگزاریم که ما را در این دنیا تنها نگذاشتی، بلکه کلامت را به ما عطا کردی، که نور و چراغی برای راه ماست.

تو ما را با آموزه‌های روشن کردن کردی. تو به ما ساختارهایی را که برای مواجهه با جهانمان نیاز داریم، عطا کردی. تو از ما انتظار داری که چنین کنیم، زیرا ما به صورت تو آفریده شده‌ایم.

وقتی به کلام شما فکر می‌کنیم و آن را پردازش می‌کنیم، در نتیجه‌ی این تلاش، شما را ستایش می‌کنیم. و اینکه شما از این بابت راضی هستید. و از شما سپاسگزاریم که فرصتی برای جلب رضایت شما در این زمینه داریم.

ما دعا می‌کنیم که رشد و فهم ما تنها چیزی نباشد که به دست می‌آوریم، بلکه اعتقادات ما عمیق‌تر و تعهد ما استوارتر شود. تا بتوانیم همانطور که کتاب قرن‌تینان، قرن‌تینان رومی را به انجام آن تشویق می‌کند، استوار بمانیم. تا بتوانیم در باورهای خود استوار و محکم بمانیم تا بتوانیم فرستادگان خوبی برای شما باشیم.

ما دعا می‌کنیم که کلام شما در سراسر جهان پخش شود. ما این روزها در دنیایی بسیار آشفته زندگی می‌کنیم و به قدرت خدا که از طریق کلیسای خدا اعمال می‌شود نیاز داریم تا به مشکلات دنیای ما رسیدگی کند. ما به صورت فردی به آن نیاز داریم.

ما به صورت دسته جمعی به این نیاز داریم. و به نام عیسی از شما می‌خواهیم که تا زمان آمدن عیسی، که به نام او دعا می‌کنیم، از دستیابی به این هدف خوشحال باشید. آمین.

درود بر شما.

من دکتر گری میدورز هستم در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تینان. این سخنرانی ۳۳، اول قرن‌تینان ۱۶

پاسخ پولس به سوال جمع‌آوری اعانه برای مقدسین اورشلیم و سخنان پایانی است.